



Neighborhood-Oriented Planning in the New Rural Settlements of the Islamic Period (Case Study: Iran, Iraq and Egypt)

Vahid Riahi^{1*}, Seyyed Mohammad Hossein Mousavipour²

^{1*}- Associate Professor, Department of Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran. riahi@khu.ac.ir

²- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran. musavipur@khu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

22/02/2025

Accepted:

29/04/2025

The history of site selection and the establishment of the first settlements, including new villages and new towns with pre-designed layouts, dates back to the Iranian engineering system and subsequently to the Islamic era's engineers. This process began centuries ago in the Iranian Plateau and Mesopotamia through intelligent site selection, purposeful planning of neighborhoods, and a neighborhood-centered approach. Initially applied in villages and later in cities, this approach is considered the first notable example of planning for new settlements. Inspired by the unifying actions of Prophet Muhammad (PBUH) in organizing Mecca and Medina, the concept of neighborhood-centered planning was further expanded and adapted after his passing. The present study aims to review the early experiences of site selection and the establishment of new villages and towns in Iran and Mesopotamia, as well as to explain the focus of early Islamic-era Muslims on neighborhood-centered planning in rural and urban settlement development. The findings demonstrate three key points. First, reports by Muslim geographers and historians regarding field studies of neighborhoods (*Khattat-writing*) present a rich body of literature on site selection and settlement establishment during the Islamic era. Second, long before the modern European experiences of planned cities, settlements in Iran and Mesopotamia were designed and built based on proximity to water resources and ecological foundations. Third, neighborhood-centered planning laid the foundation for security, access to services, improved quality of life, and development in rural and urban areas during the early Islamic period.

Keywords: New village, New cities, Central neighborhood, planning,, Islamic period.

Cite this article: Riahi, Vahid; Mousavipour, Seyyed Mohammad Hossein. (2024) "Neighborhood-Oriented Planning in the New Rural Settlements of the Islamic Period (Case Study: Iran, Iraq and Egypt)", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 2, No. 3, P: 27-52.

DOI: 10.30479/hvri.2024.3761



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Vahid Riahi

Address: Associate Professor, Department of Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran. riahi@khu.ac.ir

E-mail: riahi@khu.ac.ir



برنامه‌ریزی محله‌محور در سکونتگاه‌های روستایی جدید دوره اسلامی

(مورد مطالعه: کشورهای ایران، عراق و مصر)

وحید ریاحی^{۱*}، سید محمدحسین موسوی‌پور^۲^۱- دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. riahi@khu.ac.ir^۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. musavipur@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	سابقه مکانیابی و احداث نخستین سکونتگاه‌ها، شامل نوکردها (روستاها) و شهرهای جدید با طراحی از پیش تعیین شده، به دوره مهندسی ایرانی و سپس مهندسان دوره اسلامی بازمی‌گردد. این فرآیند، قرن‌ها پیش در فلات ایران و بین‌النهرین آغاز شد و با مکانیابی هوشمندانه، طراحی هدفمند محلات و رویکرد محله‌محوری، پایه‌ای برای توسعه سکونتگاه‌های جدید ایجاد کرد. این رویکرد ابتدا در روستاها و سپس در شهرها، نخستین نمونه از برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های جدید محسوب می‌شود. الهام از تجربه‌های اجتماعی پیامبر اکرم (ص) در سازمان‌دهی مکه و مدینه و تداوم آن پس از رحلت ایشان، نقش کلیدی در تسری مفهوم محله‌محوری به سکونتگاه‌های اولیه مسلمانان داشت. مقاله حاضر با هدف مرور تجربه‌های نخستین مکانیابی و ایجاد سکونتگاه‌های جدید در ایران و بین‌النهرین و تبیین تمرکز مسلمانان بر محوریت محله در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی و شهری در دهه‌های اولیه اسلامی، انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد: نخست، گزارش‌های جغرافیدانان و مورخان مسلمان درباره تحقیقات محلات (خط‌نگاری)، ادبیات ارزشمندی درباره مکانیابی و توسعه سکونتگاه‌ها ارائه کرده است. دوم، قرن‌ها پیش از تجربیات اروپایی‌ها، سکونتگاه‌هایی در ایران و بین‌النهرین بر پایه منابع آب و بنیان‌های اکولوژیک طراحی و ساخته شده‌اند. سوم، محله‌محوری نقشی اساسی در امنیت، کیفیت زندگی، دسترسی به خدمات و توسعه سکونتگاه‌ها در اوایل دوره اسلامی داشته است.
دریافت:	
۱۴۰۳/۱۲/۰۴	
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۲/۰۹	
واژگان کلیدی:	نوکرد، روستای جدید، شهرهای جدید، محله‌محوری، خط‌نگاری، دوره اسلامی.

استناد: ریاحی، وحید؛ موسوی‌پور، سید محمدحسین، (۱۴۰۳)، «برنامه‌ریزی محله‌محور در سکونتگاه‌های روستایی جدید دوره

اسلامی (مورد مطالعه: کشورهای ایران، عراق و مصر)»، تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال دوم، شماره سوم،

ص: ۵۲-۲۷.



DOI: 10.30479/hvri.2024.3761

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

از آغاز اسلام، برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌ها در سرزمین‌های اسلامی تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. این روند، از زمان شکل‌گیری نخستین عناصر سکونتگاهی در مدینه النبی تا ایجاد نخستین روستاها و بعدها شهرهای جدید اسلامی در عربستان و عراق، طی دهه‌های ابتدایی گسترش اسلام در سرزمین‌های جزیره‌العرب و شامات، دستخوش تغییرات و تحولات متعددی بوده است. تحولات این دوره بر مبانی و مسائلی تمرکز داشت که سکونتگاه‌های روستایی و شهری را به عنوان پدیده‌هایی انسان‌ساخت، به بستری برای زندگی، معیشت و فعالیت اقتصادی تبدیل کند.

در قرون بعد، گسترش سکونتگاه‌ها به همراه تغییرات اقتصادی، توسعه بازرگانی، پیشرفت‌های اجتماعی و افزایش تمرکز جمعیت، موجب شد تا بسیاری از روستاها و شهرها با چالش‌هایی همچون محدودیت فضا و تراکم بالای جمعیت مواجه شوند. به تدریج، این روستاهای کوچک و جدید اسلامی تبدیل به شهرهای بزرگ‌تر و حتی کلانشهرها شدند.

اگر هدف از برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌ها، ایجاد بستری امن و آرام برای زندگی، معیشت و فعالیت اقتصادی باشد (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۴)، شواهد تاریخی و مستندات مکتوب نیز بر این هدف تأکید دارند. به عنوان نمونه، در ابتدای دوره اسلامی، شهر مکه که موقعیت جغرافیایی چندان مطلوبی نداشت، با فتح پیامبر اکرم (ص)، به مکانی وحدت‌آفرین با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متحول تبدیل شد. در زمان رسول اکرم (ص)، با بازسازی مکان‌های مقدس و عناصر کلیدی این شهر، عناصری مانند مسجدالحرام، چاه زمزم و مقام حضرت ابراهیم توانستند در گذر از ویژگی‌های جاهلیت به عناصر اسلامی و وحدت‌بخش تبدیل شوند. این اقدامات، بنیان اجتماعی همگرایی را فراهم کرد که بستری پایدار برای انجام مناسک مذهبی همه مسلمانان فراهم آورد (کونو، ۱۳۸۴: ۱۰۸). اقداماتی مشابه این در مدینه النبی و دیگر سکونتگاه‌های روستایی و شهری دوره اسلامی نیز صورت گرفت. در این فرآیند، با افزودن عناصر وحدت‌بخش، هویت مراکز سکونتگاهی تازه تأسیس تقویت شد. در حقیقت، می‌توان گفت که رویکرد فرهنگی و اجتماعی

در طراحی نظام سکونتگاهی و شکل‌دهی مراکز جدید اسلامی، بارزترین ویژگی نخستین روستاها و شهرهای برنامه‌ریزی‌شده در دوره اسلامی بوده است. با این حال، این رویکرد در قرون و سده‌های بعد کمتر مستند و پررنگ است.

مقاله حاضر، با هدف تبیین اصول اولیه مسلمانان در محله‌بندی مراکز جدید روستایی و شهری اسلامی، به محله‌محوری به عنوان مهم‌ترین رویکرد برنامه‌ریزی در سال‌های نخست گسترش اسلام پرداخته است. بازه زمانی این پژوهش، دهه‌های اولیه گسترش اسلام است که بر اساس معتبرترین و مستندترین منابع اصیل تعریف و عملکرد برنامه‌ریزی محله‌محور روستایی و شهری این دوره، مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی دیگر، پژوهش حاضر بر این مسئله تأکید دارد که اولین مراکز روستایی و شهری جدید اسلامی، به مفهوم رایج آن، قرن‌ها پیش از نظریه‌پردازی‌های شهرسازی معاصر در اطراف شهرهایی چون لندن و پاریس توسط مسلمانان و در قالب ابتکاراتی در حوزه مکانیابی و طراحی سکونتگاه شکل گرفته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که محله‌محوری به عنوان یک رویکرد غالب فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌های روستایی و شهری دوره اسلامی پذیرفته و اجرا شده است (نظریان، ۱۳۸۱؛ زیاری، ۱۳۸۷؛ دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳). همچنین به برخی شواهد و نمونه‌های تاریخی این رویکرد در ادامه مقاله پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری:

در ادبیات متون اسلامی، معانی مختلفی برای عبارت «تخطیط» و ریشه‌ی واژه‌ی «خُطَط» ذکر شده است. رایج‌ترین کاربرد این اصطلاح در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی و شهری در جغرافیای اسلامی دیده می‌شود. این کاربرد به معنای برنامه‌ریزی برای محلات مختلف مراکز تازه‌تأسیس اوایل دوره‌ی اسلامی است. معنای لغوی این اصطلاح به شیوه‌های گوناگونی در منابع ذکر شده است. برخی از این معانی عبارتند از: «خُطَط» (جمع خَطَه) به معنی سرزمین‌ها؛ سطحی مشخص از زمین که برای آبادانی، گرداگرد آن خط کشیده باشند؛ یا به معنی روستای بزرگ، ناحیه، مملکت، و

کشور (صدری افشار و دیگران، ۱۳۷۳: ذیل خطه؛ ابن عبدالحکم، ۱۳۴۰: ۱۳۲، پاورقی ۱؛ معین، ج ۱، ۱۳۸۱: ۱۴۲۹-۱۴۳۰). همچنین، «خطه» در بسیاری از موارد به معنای طرح، نقشه، ناحیه و قطعه‌ی زمین آورده شده است (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۱۶۹؛ بستانی، ۱۳۷۰: ۲۴۲) و به معنای سکونتگاه قبایل عرب در سرزمین‌های جدید به کار رفته است (گب، ۲۰۰۸: ۱۲۵؛ دایره‌المعارف اسلام، چاپ دوم، ج ۵، ذیل "khitat"). به گفته‌ی هشام جعیت (نویسنده‌ی معروف کتاب کوفه: شهر اسلامی و از دانشمندان معاصر تونس)، «خطط» یکی از سه عنصر تشکیل‌دهنده‌ی مراکز جدید اسلامی بوده است. این مراکز در اطراف بخش مرکزی شهر - که منطقه‌ای سیاسی و مذهبی شامل مسجد، قصر، مرکز تجمع، و مقر فرماندهی است - قرار داشت و شامل زمین‌های محل سکونت قبایل یا «خطط» با مرزهای مشخص پیرامون هسته‌ی مرکزی بود (جعیت، ۱۹۸۶: ۱۲۷). اصطلاح «خطه» گاهی معادل واژه‌ی «دار» و به معنای محله نیز به کار رفته است؛ مانند «دارالاماره» که محل مقر حکومتی، مسجد جامع، و گاهی بازار در بخش مرکزی شهرهای اسلامی بود (دایره‌المعارف اسلام، چاپ دوم، ج ۵، ذیل "Khitta").

کاربرد اصطلاح «خطط» و «تخطیط» به صورت گسترده و فراوان در منابع دوره‌ی اسلامی دیده می‌شود. این اصطلاح به معنای طراحی محدوده و برنامه‌ریزی، به مرزبندی و تعریف بهترین روش‌ها برای رسیدن به اهداف معین اشاره دارد؛ یا به معنای برگزیدن روش‌هایی در چارچوب معیارهای مشخص و با توجه به امکانات و محدودیت‌های جامعه است. به عبارتی، این دو واژه اشاره به مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی دارد که با هدف کنترل محیط طبیعی و انسانی، بهره‌گیری مطلوب از منابع محیطی، و توسعه‌ی سکونتگاه‌های روستایی یا شهری انجام می‌شوند. «تخطیط» در این معنا به برنامه‌ریزی، تهیه‌ی پلان یا نقشه، و طراحی امور مربوط به سکونتگاه‌های روستایی یا شهری اشاره می‌کند. همچنین، «الخطه» به ویژگی قطعه‌ای از زمین معین اطلاق می‌شود که بر اساس مقیاس مشخص، روی لوحی مسطح طراحی شده باشد (عثمان، ۱۹۸۸: ۹۵؛ ولید منیس، ۱۴۰۷: ۷۶؛ ولید عبدالله منیس، ۱۹۹۵: ۳۴-۳۸). در همین ارتباط، «اختطاط» به معنای تقسیم زمین و «تخطیط» به معنای مساحی زمین آمده است. (عثمان، ۱۹۸۸: ۱۱۰).

برای «تخطیط» در نظام برنامه‌ریزی روستایی - شهری دوره‌ی اسلامی، هشت شرط ذکر شده است: تأمین آب آشامیدنی سالم؛ ایجاد راه‌ها و خیابان‌های مناسب؛ احداث مسجد جامع در مرکز سکونتگاه برای تسهیل دسترسی همگانی؛ نزدیکی بازار به مرکز، جهت رفع نیازهای ضروری مردم؛ اسکان قبایل در محله‌های همگرا؛ در نظر گرفتن فضای کافی برای توسعه‌ی آتی سکونتگاه؛ ایجاد دیوار برای حفظ امنیت؛ و نگهداری و استقرار دانشمندان و صاحبان مشاغل گوناگون به میزان کافی (عثمان، ۱۹۸۸: ۱۱۱-۱۲۹).

عبارت «خطط» و «تخطیط» عنوان آثار جغرافیایی و جغرافیای تاریخی متعددی در دوره‌ی اسلامی بوده و کتاب‌های بسیاری درباره‌ی «خطط» محلات و مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی نوشته شده است. تا جایی که می‌توان «خطط» و «خطط‌نگاری» را دانشی مستقل و ویژه در حوزه‌ی جغرافیای تاریخی روستاها و بلاد اسلامی به شمار آورد. این دانش، بیشتر به توصیف دقیق محله‌ها و نواحی مسکونی روستایی یا شهری اختصاص دارد. گاهی نیز برای توصیف محلات و مناطق شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها به‌کار رفته است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۳۴، ۲۹۷، ۳۹۶).

از جمله آثار و تألیفات در این حوزه، اثر «خطط» تألیف هیثم‌بن عدی (متوفی ۲۰۷ هجری) است که هرچند از بین رفته، توجه بسیاری به آن شده است (گب، ۲۰۰۸: ۱۲۵). علاوه بر این، از نیمه‌ی قرن سوم هجری، تألیفاتی با عنوان «خطط» در مصر پدید آمد و بعدها نمونه‌های بسیاری از این دست نوشته شد. کتاب‌های اخلاقی و جغرافیایی دیگری همچون فتوح مصر و المغرب تألیف ابن‌عبدالحمک (متوفی ۲۵۷ هجری) نیز در بخشی به توصیف محله‌های مصر مانند «جیزه» اختصاص یافته است (ابن‌عبدالحمک، ۱۳۴۰: ۱۳۲-۱۷۵).

در معرفی دیگر، گفته می‌شود احتمالاً نخستین کسی که در این زمینه کتابی مستقل تألیف کرد، محمدبن یوسف کندی (متوفی ۳۵۰ هجری)، نویسنده‌ی کتاب ولأه مصر و قضائتها بوده است. اما ظاهراً اثری از کتاب کندی باقی نمانده است (کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۳۴). در قرن چهارم هجری، ابن زولاق (متوفی ۳۸۷ هجری)، علاقه‌مند به خطط مصر، مجموعه‌ای اخلاقی بر اساس حدیث نبوی تنظیم کرد و در قرن پنجم هجری، محمدبن سلامه قضاعی (متوفی ۴۵۷ هجری) کتاب

المختار فی ذکر الخطط و الآثار را نوشت که بعدها مؤلفانی چون یاقوت حموی و مقریزی از آن استفاده کردند (همان، ۱۳۷۹: ۱۳۴). برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی خط‌نگاری و منابع وابسته به آن، رجوع شود به *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ۱۳۹۳، جلد ۱۳، مقاله‌ی خطط).

بحث «خطط» در کتاب *فتوح مصر و المغرب* اثر ابن‌عبدالحکم یکی از قدیمی‌ترین مباحث شناخته‌شده‌ی خطط است (ابن‌عبدالحکم، ۱۳۴۰: ۱۳۲). اما مهم‌ترین اثری که به شکل منسجم و تخصصی در این زمینه نگاشته شده است، کتاب *الخطط المقریزیه* نوشته‌ی دانشمند بزرگ بعلبکی، مشهور به «مقریزی» است. مقریزی این کتاب را درباره‌ی اقلیم مصر و خطط قاهره در قرن نهم هجری تألیف کرده است. ابتدا به موضوعاتی مانند اقلیم هفت‌گانه و حدود مصر (مقریزی، ۱۳۲۵: ج ۱، ۲۴-۲۷) و فضائل مصر (۱۳۲۵: ج ۱، ۳۸-۷۰) پرداخته و سپس ویژگی‌های محلات بلاد مصر نظیر اسکندریه و دمیاط را با جزئیات مفصلی شرح داده است. افزون بر این، مقریزی گزارش‌های ارزنده‌ای در خصوص محلات فسطاط (۱۳۲۵: ج ۲، ۴۱-۶۵)، قاهره و محلات آن (۱۳۲۵: ج ۲، ۱۷۳ به بعد)، بناها و آثار قاهره (۱۳۲۵: ج ۳ و ج ۴، جاهای مختلف) فراهم کرده است. این مطالب نشان می‌دهد که مقریزی، همچون سایر نویسندگان خط‌نگار، از این اصطلاح برای بیان محلات و توصیف ویژگی‌های بلاد بر اساس محله‌ها استفاده کرده است.

در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم هجری، علی‌پاشا مبارک، مورخ و سیاستمدار مصری، کتابی با عنوان *الخطط التوفیقیة الجدیة لمصر القاهره و مدنھا و بلادھا القدیمة و الشهیره بر اساس الگوی کتاب مقریزی*، درباره‌ی جغرافیا و تاریخ سرزمین مصر تألیف کرد (علی‌پاشا مبارک، ۱۹۸۰: ج ۱، جاهای مختلف). به نظر می‌رسد توصیف محلات قاهره در *الخطط التوفیقیة الجدیة* نسبت به خطط مقریزی با جزئیات بیشتر و طبقه‌بندی دقیق‌تری همراه است، چراکه علی‌پاشا مطالب مربوط به محلات را به ترتیب الفبایی و بر اساس خیابان‌ها، اماکن و آثار ارائه کرده است (علی‌پاشا، ۱۹۸۰: ج ۲، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۱۲-۱۲۶). در حالی‌که مقریزی توصیف خطط قاهره را بر پایه‌ی آثار و اماکن نظیر مساجد جامع، زوایا و ابواب دسته‌بندی کرده است (مقریزی، ۱۳۲۵: ج ۳ و ج ۴، جاهای مختلف).

یکی دیگر از آثار مشهور در موضوع *خطط*، کتاب *خطط الشام* نوشته‌ی محمد کردعلی از نویسندگان دوره‌ی معاصر است. کردعلی در مقدمه‌ی کتابش به تکوین نگارش کتاب‌هایی درباره‌ی *خطط* پرداخته و بیان کرده است که این موضوع ابتدا توسط مؤلفان مسلمان مانند ابن‌زولاق مصری و مقریزی مطرح شده، اما در مورد سرزمین شام، *خطط* قدیمی از متقدمین شناخته نشده است (کردعلی، ۱۹۶۹: ج ۱، ۲-۵). به گفته‌ی وی، *خطط* موضوعی مناسب برای شناخت سرزمین‌ها و ساکنان آن‌ها است (کردعلی، ۱۹۶۹: ج ۱: ۳). در کتاب *خطط الشام*، کردعلی ابتدا وضعیت جغرافیایی و ساکنان ناحیه‌ی شام را تبیین کرده و سپس به تاریخ شام قبل و بعد از اسلام به ترتیب دوره‌ها پرداخته است (کردعلی، ۱۹۶۹: ج ۱، ۵۰ به بعد؛ ج ۲، جاهای مختلف).

در میان تألیفات جدید درباره‌ی *خطط*، آثار متعددی وجود دارد که قابل توجه هستند، مانند *خطط بغداد فی العهود العباسیة الاولى* تألیف یعقوب لیسنز، *خطط بغداد و انهار العراق القدیمة* تألیف ماکسیمیلیان شتریک، *خطط بصره و منطقتها* اثر صالح احمد علی، *خطط الکوفه و شرح خیریتها* تألیف ماسینیون. علاوه بر این، دو کتاب ارزشمند و ماندگار، شامل *المدينة الإسلامية* تألیف محمد عبدالستار عثمان و *الكوفة: نشأة المدينة العربية الإسلامية* اثر دانشمند برجسته‌ی تونس‌سی هشام جعیط، اگرچه عنوان «*خطط*» ندارند، اما از منابع مهم و برجسته‌ی معاصر در این موضوع به شمار می‌روند.

درباره‌ی *تخطيط*، آثار متعددی نگارش شده است که نشان می‌دهند این موضوع همچنان در برنامه‌ریزی روستایی و شهری سرزمین‌های اسلامی کاربرد دارد. از جمله این آثار، کتاب *تخطيط المدن العربية الإسلامية* تألیف طاهر مظفر عمید است که علاوه بر کلیات مربوط به احداث مراکز جدید اسلامی (عمید، ۱۹۸۶: ۱۶۹-۱۷۴)، به تجربه‌ی محله‌محوری و ویژگی‌های مراکزی نظیر بصره، کوفه، فسطاط، قیروان، واسط، بغداد و سامراء و نواحی روستایی پیرامون آن‌ها به طور جداگانه پرداخته است. همچنین، کتاب *تخطيط مدينة الكوفة عن المصادر التاريخية والأثرية* تألیف کاظم جنابی، *تخطيط الإقليمي* اثر محمد فتحی بکیر، *تخطيط المدن العمارة و الزخرفة* تألیف حنان

قرقوشی، و *تخطيط المدن: أسلوب و مراحل تألیف عاطف حمزه* از منابع معتبر درباره‌ی محله‌محوری در مراکز روستایی و شهری بلاد اسلامی هستند.

در نهایت، از مجموع بررسی‌های واژه‌شناسی و مفهوم *خطط* و *تخطيط*، تجربه‌ی محله‌محوری در روستاها و شهرهای اسلامی و خط‌نگاری به عنوان دانشی برای شناسایی نواحی روستایی و شهری و محلات آن‌ها در دوره‌ی اسلامی، چنین استنباط می‌شود که «محله‌محوری» یکی از ارکان ادبیات علمی جغرافی‌دانان مسلمان و جغرافیای تاریخی دوره‌ی اسلامی به شمار می‌رفته است.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر، با توجه به ماهیت مطالعاتی و داده‌هایی که از نواحی جغرافیایی و در دوره‌های تاریخی فراهم شده‌اند، در زمره‌ی تحقیقات میان‌رشته‌ای جغرافیای تاریخی قرار می‌گیرد. این پژوهش از نظر نوع، توسعه‌ای و از نظر روش، با تبعیت از پارادایم تفسیری، تحقیقی کیفی محسوب می‌شود.

گردآوری اطلاعات مورد نیاز، با توجه به ماهیت پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. در این فرآیند، از مطالعه‌ی مستندات جغرافیایی - تاریخی کهن، معتبر و قابل اطمینان استفاده شده است. در بررسی منابع، تلاش شده تا قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین منابع هر موضوع، از جمله منابع محلی و مرتبط با ناحیه‌ی مورد مطالعه، مورد استفاده قرار گیرد. پس از گردآوری اطلاعات، داده‌ها بر اساس دوره‌های زمانی و موقعیت جغرافیایی طبقه‌بندی شدند و تحلیل یافته‌ها برای نتیجه‌گیری نهایی صورت گرفت.

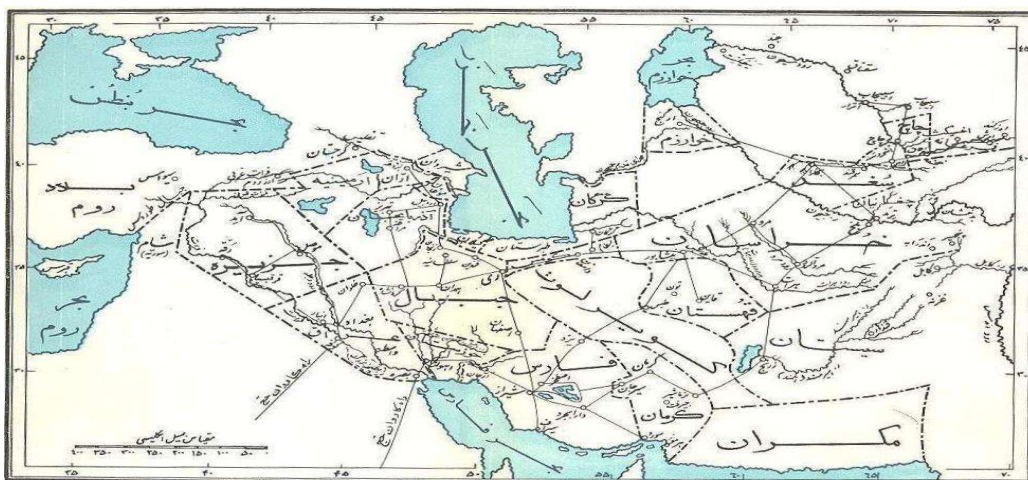
دو مفهوم کلیدی در این پژوهش مورد توجه قرار دارد: ۱- مراکز سکونتگاهی جدید در ایران و سرزمین‌های اسلامی. ۲- محله‌محوری در مراکز ساخته‌شده در قرون اولیه‌ی اسلامی.

محدوده‌ی زمانی تحقیق شامل ایران قبل از اسلام، اوایل دوره‌ی اسلامی، و قرون اولیه‌ی اسلامی در سرزمین‌های مسلمانان است. قلمرو مکانی پژوهش مناطق مختلفی از فلات ایران،

شبه‌جزیره‌ی عربستان، ناحیه‌ی بین‌النهرین، و ناحیه‌ی شمال آفریقا را در بر می‌گیرد که با موضوع تحقیق، از ویژگی‌ها و صفات مرتبط برخوردار هستند.

برای بررسی دقیق موضوع، بخشی از پژوهش به پیشینه‌ی موضوعی در میان آثار جغرافیدانان و مورخان مسلمان متقدم اختصاص یافت. در این بخش، موضوعاتی چون ساخت آبادی‌های جدید یا «نوکرد» و محله‌محوری بررسی شد. این موارد در قالب خط‌نگاری توسط جغرافیدانان متقدم ارائه شده‌اند.

در نهایت، نتیجه‌گیری تحقیق بر مبنای مستندات جغرافیایی و تاریخی گردآوری شده انجام شده است.



شکل ۱: نقشه تاریخی ایران و عراق در دوره اسلامی (منبع: لسترنج، ۱۳۹۳)

۳. یافته‌های تحقیق:

۳-۱. شکل‌گیری نخستین نوکرد (روستا) و شهرهای جدید در ایران و سرزمین‌های اسلامی اگر مفهوم نوکرد به معنای ساخت سکونتگاه از پیش طراحی شده و با برنامه قبلی در نظر گرفته شود، سابقه‌ی ایجاد روستاها و شهرهای جدید در ایران به دوره‌های تاریخی پیش از اسلام بازمی‌گردد. بنا بر تحقیقات، این روند احتمالاً در دوره‌ی ساسانیان شدت یافته است (نظریان، ۱۳۸۱: ص ۱۰-۱۴).

بر اساس گزارش‌های مستند، در زمان ساسانیان، نوکردهای متعددی در فلات ایران و مناطق پیرامونی ساخته شده‌اند (زیاری، ۱۳۸۷؛ شیعه، ۱۳۷۶) که بعدها به شهرهای جدید تبدیل شده‌اند و در ادبیات عربی به حدیثه معروف گردیده‌اند.

یکی از نمونه‌های قابل استناد، نوکردهایی هستند که به شهرهای جدید دوره‌ی ساسانی در بین‌النهرین تبدیل شده‌اند و در حال حاضر، دو سکونتگاه با نام‌های حدیثه‌ی موصل و حدیثه‌ی فرات شناخته می‌شوند.

- **حدیثه‌ی موصل:** آبادی باستانی که احتمالاً توسط شاپور دوم ساسانی کنار رود زاب بزرگ، در محل پیوستن رود زاب با رود دجله (واقع در شمال عراق امروزی) با نام نوکرد یا آبادی جدید ساخته شده است. این آبادی در زمان امویان، در قرن دوم هجری بازسازی و به نام حدیثه (به معنای شهر جدید) نام‌گذاری شد.

- **حدیثه‌ی فرات:** آبادی‌ای در استان الانبار (در غرب عراق امروزی) که از سوی شاهان ساسانی در بخش شمالی بین‌النهرین ابتدا به صورت نوکرد قلعه‌ای ساخته شد. این سکونتگاه بعدها، در دوره‌ی اسلامی، با توسعه در کرانه‌های رود فرات به حدی گسترش یافت که به شهر جدید حدیثه‌ی فرات معروف شد.

برای توضیحات بیشتر درباره‌ی تأسیس و توسعه‌ی این دو شهر، می‌توان به مقاله‌ی حدیثه در دانشنامه‌ی جهان اسلام (۱۳۹۳) مراجعه کرد.

روند ایجاد نوکرد و پس از آن شهرهای جدید در فلات ایران و بین‌النهرین، تاریخی با قدمت پیش از اسلام دارد. هرچند در دوره‌ی اسلامی، بسیاری از مراکز و شهرهای جدید ابتدا به شکل یک آبادی کوچک یا محل اسکان نظامیان و اردوگاه شکل گرفتند و سپس به مراکز ناحیه‌ای و مقرهای حکومتی تبدیل شدند.

در اوایل دوره‌ی اسلامی، طراحان مسلمان در تأسیس مراکز نظامی و سکونتگاه‌ها، به اهداف نظامی و اداری و توسعه‌ی آینده‌ی سکونتگاه‌های مکانیابی‌شده توجه ویژه‌ای داشتند. بارزترین نمونه‌های این سکونتگاه‌ها، شهرهای **کوفه** و **بصره** هستند که ابتدا به صورت اردوگاه نظامی ایجاد

شدند و سپس به مراکز سکونتگاهی بزرگ اسلامی و مقر حکومت تبدیل گردیدند (برای توضیحات بیشتر رجوع شود به جعیت، ۱۹۸۶؛ عثمان، ۱۹۸۸).

نمونه‌های مختلف از تأسیس نوکردهای دوره‌ی ساسانی و شهرهای جدید در سرزمین‌های اسلامی از جمله عراق، شامات، و شمال آفریقا در قرون اولیه‌ی اسلامی دیده می‌شود که معمولاً در کنار منابع آب پایدار و با دسترسی به راه‌های اصلی تمدنی و با توجه به بنیان‌های اکولوژیک ساخته شده‌اند (توضیحات بیشتر در ادامه‌ی مقاله آمده است).

جدول شماره ۱: ماهیت و ویژگی‌های کالبدی شهرهای جدید ایرانی در دوره‌های تاریخی

ماهیت / دوره	قبل از اسلام	موقعیت و محل استقرار	اوایل اسلامی	قرن‌های دوم و سوم	وضعیت امروز
ویژگی کالبدی	ایجاد و ساخت روستاها نوکرد	مجاورت با منابع آب دجله و فرات	توسعه اولیه	بازسازی و تبدیل به شهر	مرکز شهری مهم و آباد

(ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

۲-۳. محله‌محوری در مدینه‌النبی

بنا بر مستندات و منابع، محله‌محوری در سکونتگاه‌های روستایی و شهری از نخستین سال‌های دوره‌ی اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، از آغاز هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه تا پایان حیات ایشان، شواهدی از محله‌محوری در مدینه‌النبی دیده می‌شود. بر اساس گزارشی، پیامبر (ص) سیستم محله‌بندی (منطقه‌بندی) را با تقسیم اراضی به محله‌ها و اختصاص هر محله به قبایل، به منظور تقویت همبستگی اجتماعی پیاده‌سازی نمود (مرتضی، ۲۰۰۲: ۷۱-۷۲).

بر اساس آموزه‌های دینی اسلام، ایجاد رابطه‌ی برادری میان تمام قبایل و گروه‌های جامعه‌ی اسلامی، سرلوحه‌ی اقدامات قرار گرفت و زمینه‌ای برای از میان برداشتن تعصبات قبیله‌ای و نژادی فراهم شد. این سیاست در نحوه‌ی اسکان قبایل و گروه‌ها در مراکز اسلامی به‌وضوح دیده می‌شود. نحوه‌ی اسکان مهاجرین در محله‌های مختلف مدینه‌النبی، به‌نوعی به تنظیم مناسبات مردمی، ایجاد

تبادل، و نظم‌بخشی به محله‌ها کمک کرد. پس از این اقدامات در مدینه، تجربه‌ی منطقه‌بندی زمین‌های جدید در سکونتگاه‌های روستایی و شهری، به‌ویژه در مراکز اسلامی تأسیس شده در اوایل دوره‌ی اسلامی، مانند کوفه، بصره، و فسطاط تکرار شد و به‌عنوان اصلی در تقسیم زمین میان قبایل و گروه‌هایی که از نظر اجتماعی با یکدیگر همزیستی و همبستگی داشتند، مورد توجه قرار گرفت. به گفته‌ی محققان، این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها به تسریع در عمران و آبادی روستاها و شهرها در اوایل اسلام کمک کرد (جعیط، ۱۹۸۶: ۳۰۱؛ مرتضی، ۲۰۰۲: ۷۱-۷۲؛ عثمان، ۱۹۸۸: ۶۹، ۱۱۶، ۳۱۸-۳۱۷).

گزارش یاقوت حموی در کتاب *معجم‌البلدان* از اقدامات پیامبر اکرم (ص) در مدینه، نسبت به سایر گزارش‌های جغرافی‌دانان مسلمان قرون اولیه و عصر طلایی اسلام، شفاف‌تر به نظر می‌رسد. وی می‌نویسد: «زمانی که پیامبر (ص) به مدینه‌النبی هجرت کرد، خانه‌ها و محله‌های سکونت مهاجرین را مشخص نمود. به‌عنوان نمونه، زمین‌های اطراف مسجدالنبی به بنی‌زهره اختصاص یافت. بخش دیگری از زمین‌های اطراف مسجد به عبدالله و عتبه فرزندان مسعود هذلی واگذار شد که بعدها محله به نام خود آنان نام‌گذاری شد. همچنین، زمین وسیعی برای زبیر بن عوّام تعیین شد و محل بنای خانه‌ی طلحه بن عبیدالله مشخص گشت. برای ابوبکر نیز زمینی در کنار مسجد در نظر گرفته شد. سپس پیامبر (ص) برای افراد و طایفه‌های مختلف، محله‌هایی معین نمود تا هر طایفه در آنجا خانه‌های خود را بسازند» (یاقوت حموی، ۱۹۶۷: ج ۴، ذیل «مدینه یثرب»). بر این اساس، می‌توان گفت که مدینه‌النبی در زمان پیامبر (ص)، از *خطه‌ها* (محله‌هایی) تشکیل شده بود که در هر یک، افراد وابسته به یک قبیله یا عشیره سکونت داشتند. قبایل بزرگ‌تر، یک یا چند محله‌ی مسکونی داشتند، درحالی‌که قبایل کوچک‌تر، گاه در هم ادغام می‌شدند تا مجموعه‌ی آنها یک محله را شکل دهد (عثمان، ۱۹۸۸: ۵۳). بنابراین، مدینه‌النبی اولین مرکز اسلامی برنامه‌ریزی‌شده محسوب می‌شود که مسجد در مرکز شهر و *خطه‌ها* یا محله‌ها در پیرامون آن قرار داشتند. پس از مدینه، شهرهای دیگر مانند بصره نیز به تقلید از مدینه و با همان شیوه‌ی برنامه‌ریزی، محله‌بندی شدند (ابن‌ادریس، ۱۴۰۲: ۱۸۱).

۳-۳. محله‌محوری در اوایل دوره اسلامی در شهرهای جدید عراق

بصره و کوفه از نخستین اردوگاه‌های نظامی مسلمانان در عراق بودند که در دهه‌های نخستین دوره اسلامی، در جایگاه پایگاه‌های نظامی ایجاد شدند. این دو مرکز، گرچه در آغاز به صورت اردوگاه‌های جنگی تأسیس و سازماندهی شدند، به‌سرعت به سکونتگاه‌های مسکونی و سپس به شهرهای مهم و کانونی در عراق تبدیل شدند. بر اساس گزارش‌های متعدد از دوره اسلامی، «خطط» (محلات) در این دو شهر، محل سکونت قبایل و طوایفی بود که سبک زندگی قبیله‌ای را حفظ می‌کردند. محله‌محوری به دلیل تکیه بر ساختار قبیله‌ای و تداوم بنیان اجتماعی قبایل، دارای مفهومی همراه با همبستگی فرهنگی بوده است. بنا بر نوشته‌های هشام جعیت در کتاب ارزشمند کوفه، شهر اسلامی، محلات در این شهرها با توجه به وضعیت زمین‌ساخت، نه به معنای دقیق محله‌های شهری بلکه بیشتر به شکل نقاط دارای محدوده‌های مشخص تعریف می‌شدند. این محلات، اسامی قبایلی که در آن‌ها سکونت داشتند را بر خود داشتند (جعیت، ۱۹۸۶: ۱۶۴-۱۶۷، ۳۰۱).

در میان شهرهای عراق، بصره نخستین مرکزی به شمار می‌رود که از آغاز تأسیس در دهه دوم اسلام، محله‌محوری در آن پایه‌گذاری شد. بصره در سال ۱۴ هجری به‌عنوان یک اردوگاه نظامی توسط عتبه بن غزوان تأسیس شد. پیرامون مسجد جامع، دارالاماره، و دیوان‌های اداری، محلات مسکونی به‌سرعت شکل گرفتند (عثمان، ۱۹۸۸: ۶۵؛ مهدوی، ۱۳۷۵: ۵۷). بلاذری، مورخ برجسته قرن سوم هجری، در کتاب مشهور و ارزشمند *فتوح البلدان*، در بخش مربوط به طراحی سکونتگاه بصره (تمصیر)، ذکر کرده است که عتبه بن غزوان حدود مسجد، محلات مختلف، قصرها، نهرها، و رودهایی را مشخص کرد که به قبایل مرتبط بودند و محله‌ها به نام همین قبایل نام‌گذاری شده بودند. بلاذری این محلات و جزئیات آن‌ها را به تفکیک ذکر کرده است (بلاذری، ۱۹۸۷: ۴۸۳، ۴۹۳-۴۹۸). در همین قرن، مورخ دیگری به نام یعقوبی در کتاب *البلدان* آورده است که عتبه محلات بصره را در سال ۱۷ هجری تعیین کرد (یعقوبی، ۱۹۶۷: ۲۳۵). در گزارش‌های دیگری از همان دوره نقل شده است که عتبه ابتدا طرح بنای مسجد و دارالاماره را تنظیم کرد و سپس

خیابان‌های محلات را مشخص نمود. برای هر محله، زمین وسیع و هموار در نظر گرفته شد تا ساخت‌وساز در آن صورت بگیرد (ابن فقیه، ۱۹۶۷: ۱۸۸؛ عثمان، ۱۹۸۸: ۶۵). یاقوت حموی نیز به صورت مستقل به ثبت دقیق خطط بصره پرداخته و مناطق و نواحی مختلف آن را بر اساس طایفه‌های ساکن، مانند خیرتان، جبیران، و مهلبان شرح داده است (یاقوت حموی، ۱۹۶۵، ج ۱، ذیل «بصره»). ماسینیون، محقق برجسته معاصر، در کتاب *خطط بصره و بغداد*، وضعیت قبایل و محلات مربوط به آن‌ها، از جمله اهل عالیه، محله ازد، بنی تمیم، بنی بکر بن وائل، و عبدالقیس را با جزئیات بیان کرده است. او نشان داده است که ساکنان محلات بصره عمدتاً عشایر و قبایلی بودند که نام همان عشایر بر این محلات نهاده شده بود (ماسینیون، ۱۹۸۱: ۱۶-۲۸؛ علی، ۱۹۶۹: ۴۹).

کوفه به عنوان دومین شهر مهم دوره اسلامی در عراق، بر اساس نظام محله‌محوری پایه‌ریزی شد. این شهر وضعیت مشابهی با بصره داشت و محلات آن نخستین بار به نام قبایل و گروه‌های اجتماعی تقسیم‌بندی شدند. به گفته بلاذری، سعد بن ابی وقاص، ابوالهیاج اسدی را مأمور تنظیم محلات و مرزهای آن کرد. محله‌های جانب شرقی به اهل یمن اختصاص یافت که تعداد آن‌ها به دوازده هزار نفر می‌رسید، و محله‌های جانب غربی برای اهل نزار با جمعیت هشت هزار نفر در نظر گرفته شد. سعد همچنین کویفه بن عمر را مأمور محله‌ای دیگر کرد که یاران او در محله‌ای نزدیک به کوفه امروزی، کوچه‌ها و ساختمان‌های خود را بنا کردند (بلاذری، ۱۹۸۷: ۳۸۷-۳۹۰؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۱۵۵؛ یعقوبی، ۱۹۶۷: ۲۳۵). براساس گزارش ابن فقیه، جغرافی دان مسلمان قرن سوم هجری، سائب بن الأقرع و ابوالهیاج اسدی نیز از سوی سعد بن ابی وقاص مسئول محله‌بندی (خطه‌بندی) کوفه شدند. وی تصریح کرده است که مسجد کوفه به عنوان نخستین بنا ساخته شد و سپس محلات، بر اساس اصول قبیله‌ای تقسیم‌بندی شدند (ابن فقیه، ۱۹۶۷: ۱۶۳). یاقوت حموی در قرن هفتم، محله‌های اهل یمن و اهل نزار کوفه را به تفصیل شرح داده و بیان داشته است که از زمان تأسیس این شهر، محل مسجد و دارالاماره (مقر حکومتی) مشخص شده بود (یاقوت حموی، ۱۹۶۵: ج ۴، ذیل «کوفه»). توصیف محمد بن جریر طبری از این شهر نشان می‌دهد

که در سال ۱۷ هجری، کوفه محله‌بندی شده بود. هر قطعه زمین مختص اقامت یک قبیله بود، که در مجموع، ساختار جمعیتی کوفه را تشکیل می‌داد. وی تصریح کرده است که این نظام محله‌بندی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که هم‌زمان با چهارچوب نظامی - اداری (عشور)، تنظیم شود (طبری، ۱۹۶۷: ج ۵، ۲۴۸۱-۲۴۸۲؛ طبری، ۱۹۶۷: ج ۵، ۲۴۸۶، ۲۴۸۸؛ جعیت، ۱۹۸۶: ۳۰۰-۳۰۱).

محله‌بندی و نحوه استقرار قبایل مختلف در مناطق کوفه (خطط) احتمالاً نخستین بار توسط فردی به نام سیف شرح داده شده است. او بیان کرده که در اغلب موارد، هر محله مربوط به یک قبیله بود؛ اما در برخی شرایط، طوایف دیگر نیز در اطراف یک قبیله غالب جمع می‌شدند. حتی در مواردی نادر، دو قبیله (مانند بجله و بجاله، انصار و مزینه) در یک محله مستقر می‌شدند. گروه‌های ساکن هر محله به ده واحد (اعشار) تقسیم می‌شدند که به تعداد مساوی جنگجویانی در اختیار داشتند. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که خطه‌ها و محلات شهر، با ساختار اداری - نظامی دوره کاملاً منطبق بوده است. سهم هر قبیله از زمین‌های کوفه قطعات مشخصی بود که تنها برای یک یا دو قبیله در نظر گرفته شده و محدوده آن‌ها توسط قدرت حاکم تثبیت و تسهیم می‌شد (طبری، ۱۹۶۷، ج ۵: ۲۴۸۱؛ جعیت، ۱۹۸۶: ۲۹۷-۲۹۸). ماسینیون، محقق دوره معاصر، در کتاب خود *خطط الكوفة و شرح خربطتها* مناطق مسکونی قبایل کوفه در اوایل دوره اسلامی را به تفصیل شرح داده است. وی بیان کرده که قبیله تمیم در قسمت شرقی و قطیعه عبدالله بن دارم در ناحیه غربی مستقر بودند. ماسینیون تأکید کرده است که کوفه به‌عنوان مرکز مهم اجتماعی با تمدنی اسلامی توصیف شده است (ماسینیون، ۱۹۷۹: ۱۵، ۷۷؛ جعیت، ۱۹۸۶: ۲۹۸-۳۰۰). بلاذری و یاقوت حموی نیز در شرح تأسیس کوفه، از اصطلاح «تمصیر الکوفه» استفاده کرده و ماسینیون این اصطلاح را به معنای «تبدیل اردوگاه نظامی به مجموعه‌ای از محلات» تعبیر کرده است (ماسینیون، ۱۹۷۹: ص ۱۵؛ جعیت، ۱۹۸۶: ۱۱۷).

شواهد مشابهی از محله‌بندی در دیگر شهرهای عراق دوره اسلامی وجود دارد. در میان آن‌ها، سامرا و بغداد نمونه‌های برجسته‌ای هستند که بر اساس نظام محله‌محوری طراحی شده‌اند. در این شهرها، مسجد جامع و دارالاماره در مرکز قرار داشته و محلات مسکونی عادی مردم در اطراف

این مرکزها سامان می‌یافتند (عثمان، ۱۹۸۸: ۷۶-۷۷). بلاذری آورده است که متوکل عباسی (متوفی ۲۴۷ هجری) در سامرا زمین‌های فراوانی را به مردم به صورت اقطاع واگذار کرد که به «متوکیه» معروف شدند (بلاذری، ۱۹۸۷: ۴۱۸). او همچنین درباره بغداد می‌نویسد که منصور عباسی (متوفی ۱۵۸ هجری)، شهر *مدینه‌السلام* (بغداد) را بنیان نهاد و زمین‌های آن را از کدخدایان روستاهای بادوریا، قطربل، نهربوق و نهربین خریداری کرده و به نزدیکان، کارگزاران، سپاهیان و همراهانش برخوردار واگذار کرد (بلاذری، ۱۹۸۷: ۴۱۴-۴۱۵). یعقوبی نیز تأکید کرده است که منصور، در سال ۱۴۶ هجری، بغداد را در جانب غربی دجله تأسیس کرد و محلات آن را مشخص نمود (یعقوبی، بی تا: ج ۲: ۳۷۳-۳۷۴؛ یعقوبی، ۱۹۶۷: ۲۳۳-۲۳۵). او همچنین بیان داشته که منصور بغداد را پس از مشورت با مهندسان و تقسیم اراضی به صورت مدور و در حاشیه رودخانه احداث کرده و سپس محلات و خطه‌های آن را تعیین نمود. دو جغرافی‌دان مشهور دوره اسلامی، اصطخری و ابن حوقل، در آثار خود محلات مهم بغداد، از جمله «قطیعه ربیع» و «حریبه» را ذکر کرده‌اند که تأیید دیگری بر نظام محله‌محوری بغداد است (اصطخری، ۱۹۶۷: ۸۳؛ ابن حوقل، ۱۹۶۷: ۲۴۰). کیفیت و ساختار این محلات نیز در آثار دیگری مانند نوشته‌های مقدسی (۱۹۸۴: ۹-۱۰، ۲۱، ۲۳، ۶۱)، لیسنر (۱۹۸۴)، و شتریک (۱۹۸۶: ۷۱-۱۱۵) بررسی و ثبت شده‌اند.

۳-۴. محله‌محوری در اوایل دوره اسلامی در آبادی‌ها و شهرهای شمال آفریقا

نظام محله‌محوری در روستاها و شهرهای شمال آفریقا قدمت زیادی دارد و از ویژگی‌های اجتماعی و اداری مهم این منطقه در دوران اسلامی محسوب می‌شود. به‌خصوص در دو شهر مهم فسطاط و قاهره، این ویژگی توجه ویژه مورخان و محققان را به خود جلب کرده است. شواهد نشان می‌دهد که محله‌محوری با ورود صحابه پیامبر اکرم (ص)، از جمله عمار یاسر، به مصر آغاز یا تقویت شد (ابن‌عبدالحکم، ۱۳۴۰: ۱۳۲-۱۳۳، ۱۳۸-۱۳۹). در فسطاط، برخلاف ادعای برخی که سابقه شهر را پیش از اسلام می‌دانند، طراحی سکونتگاه بر اساس اصول اسلامی صورت گرفت. این طراحی مبتنی بر تقسیم‌بندی‌های اجتماعی و قبیله‌ای بود. گفته شده خلیفه وقت به عمرو بن

عاص دستور داده بود مرکزی ایجاد کند که میان او و مردم فاصله‌ای نباشد. او منطقه‌ای را که فسطاط کنونی در آن قرار دارد برگزید، ابتدا مسجدی بنا کرد و سپس اطراف مسجد جامع و بازار را به محله‌های مسکونی قبایل اختصاص داد. در آغاز، فسطاط به ۴۷ محله تقسیم شده بود؛ از جمله خطه‌ازد، خطه‌عقبه بن نافع، و خطه‌دارالرمل که هر کدام محل اقامت قبایل خاصی بود (ابن عبدالحکم، ۱۳۴۰: ۱۳۲-۱۳۳، ۱۴۱-۱۴۳؛ عثمان، ۱۹۸۸: ۶۹-۷۰). مقریزی، مورخ برجسته قرون میانه، از برخی محله‌های فسطاط مانند اهل‌الرأی، اهل‌الظاهر، لفیف، مهره، غافق، صدف، و فارسین نام برده است و نشان داده که این محله‌ها عمدتاً بر اساس قبیله یا طوایف اجتماعی شکل گرفته بودند (مقریزی، ۱۳۲۵: ج ۲، ۶۱-۶۲). ابن‌حوقل نیز تأکید کرده است که محلات و خطه‌های فسطاط منسوب به قبایل و گروه‌های عرب بودند، مشابه آنچه در شهرهای کوفه و بصره مشاهده می‌شود (ابن‌حوقل، ۱۹۶۷: ۱۴۶). با گذشت زمان، محله‌های فسطاط به تدریج به یکدیگر پیوستند و ترکیب اولیه آن دچار تغییر شد (مهدوی، ۱۳۷۵: ۵۸).

قاهره، که در آغاز به‌عنوان مقر جدید نظامیان و دارالاماره فسطاط در سال‌های ۳۵۸-۳۵۹ هجری پایه‌گذاری شد، بعدها به مرکز فاطمیان مصر تبدیل شد و از نظر شهری با فسطاط تمایز یافت. این شهر با شهر باستانی جیزه، محل اهرام ثلاثه، تفاوت ساختاری داشت. قاهره ابتدا بر اساس اصول شهرسازی اسلامی شکل گرفت. بنیان‌گذار آن، ابوالحسن جوهری، پس از تعیین مقر اولیه و احداث باروی شهر، مکان مسجد جامع را مشخص کرد و سپس قصر کبیر شرقی، که به‌عنوان محل اقامت خلیفه بود، در کنار بیت‌المال و مخازن نظامی احداث کرد. پس از آن، قصر کبیر غربی ساخته شد (مقریزی، ۱۳۲۵: ج ۲، ۱۷۵-۱۷۶). محله‌های قاهره در جهات چهارگانه قبله، مغرب، مشرق، و دریا طراحی شدند. خیابان‌ها، میادین عمومی، ادارات حکومتی، و مدارس نیز در همین تقسیم‌بندی‌ها ایجاد گشت و اهالی در این محله‌ها ساکن شدند (همان، ۱۳۲۵: ج ۲، ۱۷۹-۱۸۰). مقریزی در آثار خود، شرح مفصلی از نظام محله‌محوری قاهره و کیفیت زندگی اجتماعی و اقتصادی در این محله‌ها ارائه داده است. این گزارش‌ها توجه بسیاری از محققان و

پژوهشگران را به خود جلب کرده است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، می توان به دانشنامه جهان اسلام (جلد ۱۳، ۱۳۹۳) مراجعه کرد.

جدول شماره ۲: ویژگی های محله محوری در شهرهای جدید دوره اسلامی

شهر	هدف	تاسیس	شیوه اجرایی	نتایج
مدینه النبی	تقویت همبستگی اجتماعی	سال اول هجری	تقسیم اراضی به محلات و اختصاص هر محله به قبایل	سکونت و اسکان مهاجرین در محلات شهر و ادغام قبایل بسیار کوچک در محلات
بصره	تاسیس اردوگاه جنگی	سال ۱۴ هجری	منطقه بندی زمینهای جدید روستایی پیرامون مسجد و دارالاماره	شکل گیری و توسعه محلات عشایری با نام عشایر
کوفه	تاسیس اردوگاه جنگی	سال ۱۷ هجری	تنسيق و تنظیم محلات و مرزهای محله پس از ساخت مسجد و دارالعماره	شکل گیری بافت همگن جمعیتی و توزیع متقارن جمعیت در محلات و طبقه بندی خطه ها و محلات با چهارچوب نظامی - اداری
فسطاط	ساخت مرکز منطقه ای دارالاماره	سال ۲۰ هجری	ساخت مسجد جامع و بازار و تخصیص اراضی پیرامونی برای شکل گیری محله و سکونت قبایل	ایجاد محلات منسوب به قبایل
قاهره	جابه جایی نظامیان دارالاماره فسطاط	قرن چهارم هجری	تعیین مقر اولیه و احداث بارو، جامع شهر و قصر به عنوان منزل خلیفه در کنار محل بیت المال و مخزن نظامی و سپس شکل گیری محلات قاهره	ایجاد محلات مسکونی و فعالیت اقتصادی مستقل در چهار جهت قبله، مغرب، مشرق و دریا

(ماخذ: یافته های تحقیق، ۱۴۰۳)

نتیجه گیری

تحلیل تاریخی نحوه شکل گیری شهرها و روستاهای اولیه اسلامی و بررسی الگوهای طراحی آنها نشان می دهد که سابقه ایجاد شهرهای جدید به معنای امروزی، به دو دوره ساسانیان و دوره

اسلامی بازمی‌گردد. اسلام، به‌عنوان یک دین اجتماعی، نه‌تنها در شهرها گسترش یافت، بلکه با ساخت شهرهای جدید و بازتعریف شهرهای پیشین، شکل جدیدی از سکونتگاه‌های شهری را ایجاد کرد (شیخی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، مفهوم محله در شهرهای ایران، با توجه به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی این سرزمین نیز نیازمند بازتعریف نظری است (عبدلهی و دیگران، ۱۳۸۲). در شهرهای اولیه اسلامی، چیدمان فضایی به‌گونه‌ای سازماندهی شده بود که محله‌محوری، به‌عنوان محور اصلی طراحی، در تعامل با طبیعت، جهت‌گیری‌های توسعه آتی، اعتبار و جایگاه گروه‌های اجتماعی، و ملاحظات فرهنگی - اجتماعی قبایل نقش اساسی ایفا می‌کرد.

مسجد، بازار، و دارالحکومه، سه عنصر کلیدی و هسته مرکزی در شهرهای اولیه اسلامی به شمار می‌رفتند. این سه عنصر، ضمن ایجاد فضایی متحد برای زندگی و فعالیت اجتماعی، محوریت شهر را شکل می‌دادند و الگوی مناسبی برای شکل‌گیری محلات شهری فراهم می‌کردند. مقایسه عملکرد این مراکز قدیمی با کارکرد شهرهای معاصر، اگرچه به دلیل تفاوت‌های زمانی و ساختارهای اجتماعی کاملاً منصفانه نیست، اما می‌تواند الهام‌بخش مطالعات و برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌های فعلی باشد.

بر اساس یافته‌های این مطالعه، سه مؤلفه کلیدی در طراحی و شکل‌گیری شهرها و روستاهای اولیه اسلامی شناسایی شده‌اند: ۱- مجاورت با منابع آب: دسترسی به منابع آب، اصلی‌ترین شاخصه در انتخاب مکان نوکردها و سکونتگاه‌ها بود. ۲- محله‌محوری در طراحی شهری: توجه به سازمان‌دهی مبتنی بر محله‌ها، با تأکید بر جایگاه قبایل و گروه‌های اجتماعی. ۳- ملاحظات امنیتی و اجتماعی: ساختار محله‌ای با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی و اجتماعی طراحی می‌شد. این سه مؤلفه، که به‌عنوان مبانی مهم در خط‌نگاری مورد توجه جغرافیدانان و مورخان قرار گرفته‌اند، در ادبیات پژوهشی شهرهای اسلامی به گستردگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. امروزه، خط‌نگاری به‌عنوان یک سبک مطالعاتی غنی شناخته می‌شود که بر معرفی ویژگی‌ها و کیفیت زندگی در روستاها و شهرهای اسلامی تمرکز دارد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که الگوهای طراحی نوکردها و شهرهای جدید در ایران و بین‌النهرین، قرن‌ها پیش از شهرسازی مدرن که بعدها در کشورهای اروپایی رایج شد، تجربه شده است. این شهرها با عناوینی چون نوکرد، نوشهر یا حدیثه شناخته شده و الگوهای مفید و قابل تأمل برای تحلیل تاریخ شهرسازی ارائه کرده‌اند.

بررسی ادبیات مرتبط با تأسیس نخستین مراکز سکونتگاهی دوره اسلامی نشان می‌دهد که طراحی و شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها ابتدا در مقیاس یک روستای بزرگ با عناصر کلیدی در هسته مرکزی صورت می‌پذیرفته است. سپس، محله‌محوری، بر اساس وسعت یا محدودیت جمعیت قبایل، مبنای تعیین جهات توسعه آتی قرار می‌گرفته و در نهایت، سکونتگاه به یک شهر مهم، کلان‌شهر، یا مقر حکومت ارتقا می‌یافته است.

منابع کهن و اصیل اوایل دوره اسلامی و مطالعات عصر طلایی جغرافیدانان مسلمان در قرن‌های سوم و چهارم هجری، مشخصه‌های تأسیس «نوکردها»، «نوشهرها» و «حدیثه‌ها» (شهرهای جدید) و نیز شیوه‌های شهرسازی این دوره را با اتکا بر نتایج تحقیقات میدانی دانشمندان به‌طور گسترده ارائه کرده‌اند. این امر به‌روشنی جایگاه ویژه دانش جغرافیا و مطالعات جغرافیایی نزد مسلمانان را نشان می‌دهد.

علاوه بر تحقیقات مورخان و «خط‌نگاران»، پژوهش‌های دانشمندان جغرافیا در عصر طلایی این علم، مانند آثار ابن خردادبه (المسالک و الممالک)، اصطخری (مسالک و الممالک)، یعقوبی (البلدان)، ابن فقیه (مختصر کتاب البلدان)، مؤلف ناشناخته کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب، ابن حوقل (صورة الارض)، و مقدسی (احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم) که همگی مربوط به قرن‌های سوم و چهارم هجری هستند، از جمله آثار ارزشمند و ماندگاری به شمار می‌آیند که زمینه مطالعات و آثار بعدی مانند معجم البلدان اثر یاقوت حموی و نزهت القلوب اثر حمدالله مستوفی قزوینی را فراهم ساختند. ترجمه این آثار به زبان‌های لاتین در قرن‌های بعد، بستر تحقیقات دانشمندان اروپایی را نیز فراهم آورد. لازم به ذکر است که برخی از این دانشمندان،

نظیر مؤلف *حدود العالم* و حمدالله مستوفی قزوینی، فارسی‌زبان بودند و تحقیقات خود را به زبان فارسی نگارش کرده‌اند.

تقریباً در تمام تحقیقات جغرافیدانان مسلمان، بارزترین نمونه‌های تأسیس نوکردها، شهرها یا حدیثه‌ها به تفصیل بحث و بررسی شده است. عمق و دقت برخی از این پژوهش‌ها درباره شهرهایی چون کوفه و بصره چشمگیر بوده و مبتنی بر مطالعات میدانی گسترده است. دو پژوهشگر معاصر برجسته در حوزه شهرسازی اسلامی، هشام جعیت تونسی در کتاب *کوفه شهر اسلامی* و محمد عبدالستار عثمان در کتاب *المدینه الاسلامیه*، روند و کیفیت شهرسازی قرن‌های اولیه اسلامی را به تفصیل تبیین کرده‌اند.

تحقیقات جدید نیز در این زمینه نشان می‌دهد که چه عواملی در شکل‌گیری ساختار محله‌ای مؤثر بوده و کارکرد نظام محله‌ای چه بوده است. در محلات، تمام خدمات ضروری نظیر مسجد، حمام، بازارچه و نانواپی فراهم بوده است. به‌عنوان مثال، در شهری مانند بغداد، هر محله به چهار بخش تقسیم می‌شد که هر بخش سرپرستی مهندس خاص خود را داشت. یا در نیشابور که دارای ۴۷ محله بود، عالی‌ترین محله، سکونتگاه علما و بازرگانان بوده و در برخی محلات، اهل حرفه مشخصی ساکن بودند. از این رو، می‌توان بیان کرد که ویژگی‌های قومی و مذهبی، قشربندی اجتماعی، و الگوهای زیستی و معیشت از عوامل مؤثر بر تقسیمات محله‌ای بوده‌اند و کارکرد محلات، بستری برای بروز و ظهور شغلی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و نژادی فراهم می‌کرده است (برای مطالعه تفصیلی این بحث، رجوع شود به شیخی، ۱۳۸۲).

همچنین، مطالعات اخیر نشان می‌دهند که الگوی مطلوب محله‌ای برای مسلمانان شامل مسجدی در مرکز و حداکثر ۱۶۰ پلاک مسکونی در چهار جهت مسجد (در هر جهت حداکثر ۴۰ واحد مسکونی) با مساحت تقریبی ۲۰ هکتار و حداکثر تراکم ۸۰ نفر در هکتار بوده است (رئیزی - محمدعلی نژاد، زمستان ۱۴۰۰).

با توجه به توضیحات فوق، نتایج مطالعه حاضر به صورت موردی به شرح زیر است:

- در طراحی و تأسیس مراکز سکونتگاهی دوره اسلامی، ایجاد یک روستای بزرگ با عناصر کلیدی در هسته مرکزی مد نظر بوده و سپس، بر اساس جمعیت قبایل و اصل محله محوری، جهات توسعه آتی تعریف می شده است. به نظر می رسد که در مکان یابی و تعیین جهات توسعه آتی همه مراکز مسکونی جدید (چه ایرانی قبل از اسلام و چه شهرهای جدید دوره اسلامی)، از جمله در حدیثه موصل، حدیثه عراق، بصره، کوفه و قاهره، محاورت با منابع آب و بنیان های اکولوژیک مبنا قرار گرفته است.
- محله محوری، اساس طرح توسعه مراکز مسکونی در اوایل دوره اسلامی است. ایجاد امنیت، دسترسی به خدمات مرکز محله، و کیفیت زندگی و فعالیت اقتصادی در محلات (اعم از روستایی یا شهری) از این اساس قابل استنتاج است. بررسی تفصیلی گزارش های جغرافیدانان و مورخان مسلمان در تحقیقات میدانی مربوط به خطط، محلات و شهرهای جدید، مؤید این موضوع است. شکوفایی عناصر مرکزی شهرهای اسلامی با ساخت مسجد در مدینه النبی پایه گذاری شد و به سرعت به دیگر مراکز مسکونی اسلامی تازه تأسیس و شهرهای قدیمی تسری یافت. رویکرد توسعه محله محور، علاوه بر هویت بخشی به محلات، در رفع مشکلات و نارسایی های ناشی از چندگانگی، تأمین امنیت، تسهیل در زندگی جمعی و همگرایی اجتماعات محلی نقش مؤثری داشته است.

منابع

کتابها

- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۸۵)، فرهنگ معاصر عربی فارسی بر اساس فرهنگ عربی انگلیسی، تهران، نشر نی.
- ابن حوقل (۱۹۶۷)، صورة الارض، چاپ کرامرس، لیدن ۱۹۳۸-۱۹۳۹، افست.
- ابن خردادبه، کتاب المسالك و الممالک، چاپ دخویه، لیدن ۱۹۶۵، افست.
- ابن فقیه (۱۹۶۷)، مختصر کتاب البلدان، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۸۵، افست.

- اصطخری (۱۹۶۷)، *مسالك الممالک*، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۸۵، افسست.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۷/۱۴۰۷)، *فتوح البلدان*، چاپ عبدالله انیس طباع و عمر انیس طباع، بیروت.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی (۱۹۹۷/۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، چاپ عبدالقادر عطا، جلد اول، بیروت.
- شاد، محمد پادشاه (۱۳۶۳)، *آندراج فرهنگ جامع فارسی*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۷۳)، *فارسی امروز*، تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷)، *تاریخ*، چاپ ابوالفضل ابراهیم، لیدن ۱۸۸۵، افسست.
- کراچکسوفسکی، یولبانوویچ (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، امیرکبیر.
- کوئنتو، پائولو (۱۳۸۴)، *تاریخ شهرسازی در جهان اسلام*، ترجمه سعید تیزقلم زنوزی، تهران، سازمان عمران و بهسازی شهری.پ
- لسترنج، کای (۱۳۹۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- لینیچ، کوین (۱۳۸۱)، *تئوری شکل شهر*، ترجمه سید حسن بحرینی، تهران، دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، *کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران.
- مولف ناشناخته (۱۳۴۰)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، دانشگاه تهران، تهران.
- یاقوت حموی (۱۹۶۵)، *معجم البلدان*، چاپ فردیناند ووستنفلد، لایپزیک ۱۸۶۶-۱۸۷۳، افسست.

- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۹۶۷)، *البلدان*، چاپ دخویه، لیدن ۱۸۹۲، افسست.

مقالات

- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۳)، «حدیثه»، نگارش احمد آرین نیا، جلد ۱۲، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران.
- دانشنامه جهان اسلام (۱۳۹۳)، «خطط (جمع خطه)»، نگارش معصومعلی پنجه، جلد ۱۳، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران.
- ریسی، محمد منان و محمدعلی نژاد، فاطمه (زمستان ۱۴۰۰)، «تبیین مقیاس و مدل کلی محله از منظر اسلامی»، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۳۳.
- شیخی، محمد (شهریور ۱۳۸۲)، «ساختار محله‌ای شهر در سرزمین‌های اسلامی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲.
- هبدالهی، مجید و دیگران (تابستان ۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و ضرورت بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.
- مهدوی، شهرزاد (۱۳۷۵)، «بنیانگذاری و طرح‌ریزی شهرهای اسلامی»، مجله آبادی، شماره ۲۲.

منابع عربی (کتاب‌ها):

- ادريس، عبدالعزيز بن عبدالله (۱۴۰۲/۱۳۶۱)، *مجتمع المدینه فی عهد الرسول*، ریاض، شؤون‌الکتاب.
- جعیط، هشام (۱۹۸۶)، *الکوفه نشأة المدینه العربیه الاسلامیه*، کویت.
- عثمان، عبدالستار (۱۹۸۸/۱۴۰۸)، *المدینه الاسلامیه*، کویت، عالم‌المعرفه.
- علی‌پاشا (۱۹۸۰)، *الخطط التوفیقیه الجدیة لمصر القاهره و مدنھا و بلادھا القدیمة والشھیره*، قاهره.
- عمید، طاهر مظفر (۱۹۸۶)، *تخطيط المدن العربیه الاسلامیه*، بغداد.

- کردعلی، محمد (۱۳۸۹/۱۹۶۹)، *خطط الشام*، جزء اول، بیروت.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۳۲۵)، *الخطط المقریزیة المسماة بالمواعظ والاعتبار یدکر الخطط والآثار*، لبنان.

منابع عربی (مقالات):

- ولید المنیس، عبدالعزیز (۱۹۹۵)، «ابواب الحسبه ذات الصله بالضبط الحضری و خطط المدن»، *كلية الآداب*، سال ۱۶، شماره ۱۰۶.
- ولید المنیس (۱۴۰۷)، «خطط المدن الجدیة فی دول الخلیج و اثرها فی القسمیه»، *دراسات الخلیج و جزیره العربیه*، سال ۱۳، شماره ۵.

منابع لاتین (کتاب‌ها):

- Gibb, Hamilton A. R. (2008), *Studies on the Civilization of Islam*, Routledge, New York.
- Mortada, Hisham (2002), *Traditional Islamic Principles of Built Environment*, Routledge Curzon.

منابع لاتین (مقالات):

- *Encyclopedia of Islam* (1979), «Articles of: Khitat, by: Cl. Cahen; khitta, by P. Crone», vol.5, Brill.